



امروزه در موزه بریتانیا بیش از ۸ میلیون دست ساخته (artefact) و شماری بومساخته (ecofact) موجود می باشد که در ۲۶۸ سال گذشته از سراسر جهان گردآوری شده است. گمان داده می شود که شماری نزدیک به ۲۰٪ ازدست ساخته ها جعلی می باشند، ولی اکثریت آن ۸۰٪ اصل، از راه غارت و تاراج گردآوری شده اند. باری، تنها ۱ درصد از این دست ساخته ها و بوم ساخته ها، یا بگفته ای دیگر، تنها ۸۰ هزار تای آن ها در معرض نمایش می باشند و مابقی در انبارها و گاوصندوق های موزه نگهداری می شوند. اکثریت این ۸۰ هزار دست ساخته ها، یا در پشت شیشه های ویژه با کنترل درجه هوا نگهداری می شوند، یا بر روی دیوار نصب شده اند و فاصله ای میان آن ها و بازدیدکنندگان وجود دارد و آن شماری که وزنشان سنگین است، بلااستثناء بر روی سکوهایی و بدور از دسترس قرار داده شده اند، تا مبادا پا یا دست کسی به آن ها خورده شده و آسیبی رسانده شود، بجز تنها و تنها "یک" اثر باستانی که در گوشه ای به حال خود رها شده است، که یک ته ستون از تخت جمشید است.



این ته ستون (به شماره □ ۱۳۶۲۰۶) را آمریکایی ها از کاخ صدستون (تالار تخت شاهنشاهی) به همراه دو سرستون بازمانده از کاخ، غیر قانونی از ایران خارج کرده و سپس در سال ۱۹۷۴ در قبال دریافت چند قطعه با موزه بریتانیا تعوض نمودند. باری، تا چند سال پیش و پیش از بازسازی کامل ساختمان موزه و ساخت سالن اصلی که "ملکه الیزابت دوم" نامگذاری شده است، این ته ستون در زیر پلکان بخش هنرهای آشوری موزه بر روی سکویی آجری قرار داشت (فرتور سمت چپ)، ولی پس از بازسازی موزه به سالن ملکه الیزابت دوم آورده شد و نه تنها بر روی سکویی گذاشته نشد، بلکه بدون هیچگونه حفاظتی روبروی فروشگاه هدایای موزه در معرض نمایش و بی رحمی توریست ها رها و مبدل به نشیمنگاه، میز و حتی جایی برای بالارفتن کودکان توریست ها و غیره قرار گرفت.

سال گذشته پیش از کووید با ارائه شکایتی به موزه و گفتگو با یکی از دوستان که مسئول بخش هنرهای آسیای غربی است، قرار بر آن شد تا این ته ستون یا به بخش ایران (اتاق شماره ۵۲) منتقل گردد یا در بخاطر وزن سنگینش همانجا باقی مانده، ولی مانند بقیه دست ساخته های تاریخی بر روی سکویی قرار گیرد تا از آسیب بازدیدکنندگان در امان ماند، ولی تا آن زمان طنابی پیرامون آن نهاده شود تا توریست ها مرز خود در نزدیک شدن به آن را متوجه شوند. با آنکه طناب گذاشته شد ولی شوربختانه مساله کووید-۱۹ پیش آمد و بخاطر بسته شده موزه انجام نشد. ولی پرسش اینست که چرا در میان ۸۰ هزار اثر هنری در معرض نمایش که به بهترین و مدرنترین شیوه ها از آن ها نگهداری می شوند، تنها یک اثر ایرانی به چنین حال و روزگاری دچار می گردد؟ پاسخ را در خودمان و ایرانی بودنمان یا در حقیقت ایرانی راستین نبودنمان بایستی جستجو کنیم.

زمانی که یک رژیم بیگانه تبار حاکم بر کشورمان می شود که نه تنها هیچ ارزشی برای هویت تاریخی و فرهنگ یک ملت قائل نمی شود، بلکه کمر به نابودی آن می بندد و در مقابل بخش بزرگی از ملت، همواره بر روی همه خیانت های رژیم بویژه در بخش نابودی آثار تاریخی و فرهنگی که شناسنامه ملی اوست چشم فرو بسته و خاموشی بر می گزیند،^[1] این بی ارزش دانستن نیز به بیگانگان سرایت می کند.

در هر روی، در آینده پساجمهوری و استبداد و بقدرت رسیدن یک نظام ایرانی و ملی، بایسته است تا نه تنها کوشش شود این آثار ملی بتاراج رفته به ایران بازگردانده شوند، بلکه با فرهنگسازی به ملت ایران از کودکی یاد داده شود که اهمیت اصلی این آثار ملی، در آنست که شناسنامه یک ملت کهنسال است و یک ملت بدون شناسنامه، نه امروز را دارد و نه آینده را خواهد داشت.

در پایان با آنکه پیگیر آن می باشم تا از این ته ستون نگهداری بهتری شود، ولی در این میان از آندسته هم میهنانی که هنوز عشق ایران در وجودشان متبلور می باشد، دعوت می نمایم برای تسریع در نجات این ته ستون از وضعیت کنونی بویژه آنکه موزه بزودی درهایش را به روی بازدیدکنندگان باز خواهد نمود، با مسئولان موزه تماس گرفته (<https://bit.ly/3xTXMaH>) و مودبانه، نه تنها اعتراضات خود مبنی نگهداری نادرست و غیر حرفه ای از این اثر مهم ایرانی را اعلام دارند، بلکه مهمتر خواهان انتقال آن به بخش ایران و قرار دادنش بر روی سکویی مانند دیگر آثار باستانی در موزه شوند

شاپور سورنپهلو

روز فروردین از ماه اردیبهشت سال ۳۷۵۹ بهدینی

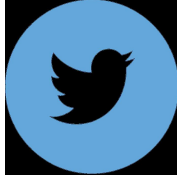
۱۸ اردیبهشت ۲۵۸۰ شاهنشاهی

۸ مه ۲۰۲۱ ترسایی

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

× - پیوند اینترنتی کوتاه شده به این نگاشته: 3xZyWX4/ly.bit

1 - سورنپهلو، شاپور، "ایران-باستانزدایی: سیاستی برای تغییر هویت ملی ایرانیان به یک هویت عاریه ای اسلام-عربی و تبدیل ملت ایران به اُمت عربی"



□